

سیاست مطلوب فرهنگی در حوزه «قومیت» سیاستی است که ضمن توجه و عنایت به اسناد و متون بالادستی، توجه ویژه‌ای به فضای زیست‌بوم یک قوم نیز داشته باشد و در خلأ تدوین نشده باشد. مقاله پیش‌رو با استفاده از تحلیل مضمون در حوزه اسناد مرتبط بالادستی و مصاحبه عمیق با نخبگان ذی‌نفع در این حوزه و استخراج مشترکات کدهای به‌دست آمده به اصولی برای سیاست‌گذاری واقع‌بینانه دست یافته است.

با توجه به اهمیت روزافزون قوم «کرد» چه در بعد مذهبی به‌عنوان بزرگ‌ترین قوم دارای اقلیت مذهبی در ایران و نیز درصد بالای رشد هویت قومی در میان افراد این قوم، می‌توان این قوم را نمونه‌ای عالی برای تعمیم به سایر اقوام که از حیث مذهبی در اقلیت قرار دارند (قوم‌های بلوچ و ترکمن) در نظر گرفت و خروجی‌های این پژوهش را برای تدوین سیاست فرهنگی برای قوم‌های یاد شده نیز به‌کار بست. نتیجه به‌دست آمده در این تحقیق نشان می‌دهد مطالبات قومی نخبگان حوزه کردی همخوانی و هماهنگی زیادی با اسناد بالادستی به‌ویژه قانونی اساسی و دیدگاه رهبران نظام دارد. از جمله این مشابهت‌ها و مشترکات، اعتقاد به اسلام و ایران و هویت ملی و حفظ انسجام و تمامیت ارضی کشور، تقویت فرهنگ قومی ذیل فرهنگ رسمی، ارتباطات سازنده میان فرهنگی، تأمین حقوق مدنی و شهروندی سایر مذاهب و قومیت‌ها و گسترش عدالت اجتماعی و خدمت‌رسانی برای همه اقوام است.

■ واژگان کلیدی:

قوم کرد، سیاست‌گذاری فرهنگی، اهل سنت کرد، قومیت، هویت

الزامات سیاست‌گذاری

فرهنگی اقوام

راهبردهای برگرفته از اسناد بالادستی و دیدگاه‌های

ذینفعان (مطالعه موردی قوم کرد)

کسری صادقی‌زاده

دکتری جامعه‌شناسی سیاسی و پژوهشگر حوزه قومیت

sadeqizadeh@gmail.com

۱. مقدمه و بیان مسئله

ایران کشوری است که از ترکیب جمعیت‌های قومی متنوعی تشکیل یافته و گوناگونی فرهنگی قابل توجهی را در عرصه‌های جغرافیایی از خویش به‌نمایش گذاشته است؛ به‌گونه‌ای که این کشور به‌لحاظ تنوع قومیتی در میان ۱۰ کشور اول دنیا جای گرفته و پنجاه زبان و لهجه و هفت قوم رسمی را در خود جای داده است.

تا اوایل قرن بیستم میلادی، بافت قبیله‌ای و ایلیاتی، محور سازماندهی اقوام ایرانی بوده است و خود قبیله‌ها هم نه به‌عنوان یک جامعه بیولوژیک بلکه به‌عنوان یک اجتماع سیاسی - اجتماعی در کشور حضور داشته‌اند. (احمدی، ۱۳۸۷: ۵۲) در بیان مطالعات فرهنگی نیز می‌توان این جماعت‌های قومی مذهبی متمایز را به‌مثابه خرده‌فرهنگ‌های جامعه ایرانی مورد بررسی قرار داد و ایران را به‌مثابه یک مجموعه نامنظم از خرده‌فرهنگ‌های قومی لحاظ کرد. در این باره باید گفت «غالب جوامع مدرن در واقع مجموعه‌ای از خرده‌فرهنگ‌های متداخل‌اند». (ایگلتون، ۱۳۸۰: ۲۰۹) از این‌رو، مفهوم خرده‌فرهنگ از پیچیدگی نظری قابل توجهی برخوردار است. از منظر «بریک»^۱، خرده‌فرهنگ‌ها نظام‌های پیرامونی متفاوتی‌اند که حول نظام معنایی مرکزی تشکیل شده‌اند و سبک‌های متفاوت زندگی را نمایندگی نموده و منعکس‌کننده تلاش متمایز این خرده‌فرهنگ‌ها برای حل مسائل ساختاری برخاسته از زمینه نظام اجتماعی گسترده‌تر هستند. (بریک، ۱۹۸۵: ۸) بر این اساس، مؤلفه‌های بنیادین این خرده‌فرهنگ‌ها شامل معانی و انگیزه‌های کانونی، ارزش‌های مرکزی، ساختار گروهی، تصویر جمعی و کنش‌ها و فعالیت‌های روزمره است. (کلارک و دیگران، ۱۹۷۶: ۵۶) در چنین بستر و زمینه‌ای، انسجام و همبستگی^۲ و ملی یکی از امکان‌هایی است که می‌توان با به‌کارگیری سیاست‌های مؤثر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به آن نزدیک شد.

۸۸

1. Brake

۲. همبستگی (Integration): همبستگی را می‌توان به‌معنای فرایند تکمیل و یکپارچه کردن تعریف کرد. همبستگی اجتماعی اشاره است به این فرایند یا حالت منتج از آن در نظام اجتماعی و به‌نوبه خود مرکب از این ابعاد است: یگانگی فرهنگی که عبارت است از مفصل‌بندی الگوهای هنجاری با فرایندهای انگیزشی به‌نحوی که منجر به هم‌رنگی شود؛ یگانگی اجتماعی و ارتباطی که عبارت‌اند از مشارکت و انتقال الگوهای هنجاری میان اعضای یک نظام اجتماعی و یگانگی کارکردی که عبارت است از پیوستگی ادعاها، انتظارات و کنش‌های آشکار. (گلد و کولب، ۱۳۷۶: ۹۳۳)

در ابتدای تحقیق باید عنوان شود که با توجه ترجمه‌های مختلف از واژگان کلیدی solidarity; integration و assimilation باید عنوان شود که ترجمه برگزیده در این تحقیق برای کلمه solidarity از معادل وحدت، برای کلمه assimilation از معادل همگون‌سازی و برای کلمه integration از معادل فارسی همبستگی استفاده شده است.

از منظر شاخص‌های بین‌المللی، همبستگی ملی و انسجام اجتماعی شاخص یا پیش‌شرط توسعه اجتماعی به‌شمار می‌آید. همچنین از نگاه توسعه اجتماعی، انسجام و همبستگی موجب افزایش ظرفیت‌های یک جامعه برای رفاه و آرامش تلقی می‌شود. (حاجیانی و رضایی، ۱۳۹۳: ۳۳۹)

با این تعریف باید اذعان داشت که سیاست‌های انسجام ملی نوعی از سیاست فرهنگی است که مبتنی بر مجموعه‌ای معین از اهداف، راهبردها، رویکردها، رفتارها و اقدامات به توزیع عادلانه امتیازات گوناگون اجتماعی به جمع‌ها، اقوام، گروه‌های اجتماعی در یک کشور می‌پردازد. همان‌طور که حاجیانی تأکید می‌کند، این مجموعه مشتمل بر اهداف، سیاست‌ها، مقاصد روشن و واضح در خصوص نحوه اداره، کنترل و هدایت اقوام مختلف در یک حوزه قومی از یک واحد سیاسی است (حاجیانی، ۱۳۸۰: ۱۴۶-۱۴۵) که در ارتباط با دیگر اقوام و گروه‌های کشور، به ایجاد اتحاد و همبستگی ملی میل می‌کند. این سیاست مبتنی بر راهبردی است که دولت مرکزی تعیین می‌کند تا وضعیت فعلی را در آن حوزه قومی تعریف و آینده کوتاه یا میان‌مدت را در پهنه اتحاد ملی برنامه‌ریزی و برای رسیدن به آن، مسیر مشخصی تعریف نماید. از آنجا که کشور در حوزه همبستگی ملی در شرایط ویژه‌ای به‌سر می‌برد و شکاف‌های اجتماعی در حال تقاطع با یکدیگر هستند؛ سیاست‌گذاری مبتنی بر زیست‌بوم حوزه قومی اهمیت و ضرورت ویژه‌ای پیدا می‌کند. خصوصاً اینکه تا کنون اقدامی در جهت سیاست‌گذاری فرهنگی اقوام در ایران صورت نگرفته است و همچنین تا کنون نگاه‌ها تنها از بالا به پایین بوده و دیدگاه‌های ذی‌نفعان در این سیاست‌ها لحاظ نشده است. مسئله اصلی این تحقیق رسیدن به مدلی برای سیاست‌گذاری فرهنگی اقوام است که علاوه بر نگاه بالا به پایین، نگاه پایین به بالا را نیز مورد توجه قرار دهد و این پرسش که سیاست‌گذاری مطلوب فرهنگی در حوزه قومیتی چه اصولی دارد و اینکه نقاط اشتراک دیدگاه‌های حاکمیتی با بدنه قومیتی چیست، به‌عنوان سؤالات اصلی نیل به چارچوب سیاست فرهنگی قومی مورد توجه قرار گرفته است.

۲. رهیافت‌های نظری در سیاست‌گذاری فرهنگی قومیت

سیاست‌گذاری فرهنگی مفهوم موسعی دارد و سیستم‌های فرعی نظیر سیاست‌گذاری قومی و دیگر سیاست‌گذاری‌های مشابه را در بر می‌گیرد. به‌طور کلی الگوهای سیاست‌گذاری فرهنگی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۲.۱. یکسان‌سازی فرهنگی: طبق این رهیافت، نوعی اصول و ارزش‌های مقدس وجود

دارد که باید سایرین آن را بپذیرند.

۲.۲. تکثرگرایی فرهنگی: رهیافت تکثرگرایی فرهنگی در پی رشد و گسترش خرده فرهنگ‌ها در کنار یکدیگر و به صورت هم‌عرض به وجود آمد. در این الگو، خرده فرهنگ‌های موجود در جامعه به رسمیت شناخته می‌شوند و جامعه امکان بقا و رشد آنها را فراهم می‌آورد. در جوامعی که به تکثرگرایی فرهنگی تن می‌دهند، نوعی نسبی‌گرایی فرهنگی حاکم است و ارزش‌ها و اصولی که دارای ارزش قداست قطعی هستند، در این جوامع وجود ندارند و جامعه برای هیچ خرده فرهنگ یا ارزش و اصول عامی اهمیت برتر قائل نیست. (صالحی‌امیری، ۱۳۸۸: ۹۷)

۲.۳. وحدت در تکثر فرهنگی: این رهیافت ضمن تأکید بر اشتراکات فرهنگی، امکان تکثر خرده فرهنگ‌های مختلف را در چارچوب نمادی مشترک، مجاز می‌داند؛ به عبارت دیگر، در هر جامعه‌ای مجموعه‌ای سؤالات بنیادین در خصوص جهان، انسان، خدا، غایت، وظیفه انسان نسبت به آنها و ارزش و قداست آنها مطرح است. پاسخ‌هایی که هر جامعه برای سؤالات کلیدی فوق فراهم می‌کند، باید آنچنان کلی و تعمیم یافته باشند که بتوانند به کمک زبان مشترک ملی، نقطه اتکا وحدت نمادی یا به عبارتی چارچوب فراگفتمانی جامعه را تشکیل دهند؛ به طوری که این چارچوب فراگفتمانی بتواند در برگیرنده انواع خرده فرهنگ‌های قومی، زبانی، حرفه‌ای و گفتمان‌های شناختی و ارزشی، هنجاری و رویه‌ای متنوع باشد. (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۳۷)

۳. پیشینه تحقیق

درباره موضوع حاضر تحقیقات زیادی انجام شده است که به خاطر رعایت اختصار به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

مقاله «گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه کردستان» (۱۳۹۱)، خانیکی، با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و ابزار پرسشنامه انجام شده و جامعه آماری کلیه دانشجویان دانشگاه کردستان بوده‌اند.

مقاله «تأثیر ساختار اجتماعی آموزش بر قوم‌گرایی دانشجویان» (۱۳۹۱)، قادرزاده و شفیعی‌نیا، با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی و ابزار پرسشنامه صورت گرفته و جامعه آماری دانشجویان دانشگاه‌های کردستان پیام نور و آزادشهر سنندج سال ۹۰-۸۹ بوده‌اند. مقاله «بررسی رابطه هویت ملی و قومی با تأکید بر احساس محرومیت و جامعه‌پذیری

قومی (مطالعه موردی دانشجویان آذری، کرد و عرب)» (۱۳۸۷)، ربانی و همکاران، با روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای و ابزار پرسشنامه انجام شده و جامعه آماری دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تبریز، کردستان و دانشگاه شهید چمران بوده‌اند.

مقاله «بررسی روند مشارکت شهروندان در استان کردستان» (۱۳۹۰)، غفاری و زرین کاویانی، با روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای و ابزار پرسشنامه انجام شده و جامعه آماری اساتید و دانشجویان دانشگاه کردستان بوده‌اند.

پایان‌نامه «تبعیض قومی در کردستان ایران (بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷)» (۱۳۸۳)، با ابزار پرسشنامه و مراجعه به اسناد و مدارک انجام گرفته و جامعه آماری جمعیت بالای ۱۵ سال شهر مریوان بوده است.

مقاله «مطالعه جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی موثر بر شکل‌گیری هویت منسجم ایرانی؛ مطالعه موردی جوانان شهرستان بوکان» (۱۳۸۹)، با روش پیمایش و ابزار پرسشنامه صورت گرفته و جامعه آماری کلیه افراد باسواد ۱۷ تا ۳۰ سال شهرستان بوکان بوده‌اند. پایان‌نامه «شکاف قومی، دولت مرکزی و امنیت ملی ایران (مطالعه موردی مناطق کردنشین)» (۱۳۸۵)، با روش استقرایی و ابزار مصاحبه، مشاهده، مراجعه به اسناد و مدارک اجرا شده و جامعه آماری کردهای ساکن در مناطق شمال غربی و غرب کشور بالاخص ساکن در آذربایجان غربی و کردستان بوده‌اند.

پایان‌نامه «بررسی مقایسه‌ای نابرابری اجتماعی در کردستان ایران و عراق با تأکید بر شهرهای مهاباد و سلیمانیه» (۱۳۸۴)، با روش پیمایش و ابزار پرسشنامه صورت گرفته و جامعه آماری کلیه دانشجویان کرد مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های مهاباد و سلیمانیه در سال ۱۳۸۴ بوده‌اند.

مقاله «توسعه سیاسی و مشارکت‌پذیری جامعه کرد ایران» (۱۳۸۱)، گودرزی، با روش پیمایش و ابزار پرسشنامه انجام گرفته و جامعه آماری ساکنین شهرهای سنندج، سقز و بانه بوده‌اند.

پایان‌نامه «بررسی نگرش نخبگان کرد به هویت جمعی (قومی/ ملی) تحلیل گفتمان هویت قومی/ ملی نخبگان استان کردستان» (۱۳۸۸)، با روش هرمنوتیک و تحلیل متن و ابزار مصاحبه نیمه ساخت‌یافته انجام شده است.

مهم‌ترین وجوه تمایز این تحقیق را می‌توان در محورهای زیر مشاهده کرد: اولاً این تحقیق نسبت به همه تحقیق‌های یادشده به‌روزتر و جدیدتر است و در نگارش آن شعاع

وسیع‌تری از مسائل این حوزه دیده شده است و برخلاف بسیاری از تحقیق‌های پیشین به یک جنبه اختصاص ندارد. ثانیاً از دو نگاه بالا به پایین و پایین به بالا بهره گرفته شده و سعی در تلفیق این دو بوده است. ثالثاً از دستاوردهای این تحقیق برای سیاست‌گذاری فرهنگی استفاده شده است که در تحقیق‌های یادشده به چشم نمی‌خورد.

۴. روش پژوهش

استراتژی پژوهش در این تحقیق یک راهبرد تلفیقی است و بسته به هر بخش از تحقیق سعی شده است از روش تحقیق متناسب با موضوع تحقیق بهره‌برداری شود. با توجه به حجم زیاد داده‌های مورد تحقیق از بخش‌های تبیینی که عموماً با روش‌های کتابخانه انجام می‌پذیرند، صرف‌نظر گردید و برای تمرکز و انسجام بیشتر تلاش شد از دو روش عمده «تحلیل مضمون» و «مصاحبه کیفی» استفاده شود. به عبارت دیگر آنجا که به دنبال آراء قانونگذاران و حکمرانان این مرز و بوم می‌گردیم، از روش تحلیل مضمون برای تحلیل اسناد و قوانین و سیاست‌های بالادستی بهره‌گیری شده و در آنجا که سعی داریم نقطه‌نظرات و ملاحظات ذینفعان را مورد کاوش قرار دهیم، از روش مصاحبه (باز و نیمه‌ساختمند) استفاده است. شایان ذکر است که برای شناسایی و گزینش نخبگان عمدتاً از روش «گلوله برفی» (معرفی افراد بیشتر برای مصاحبه توسط افراد مصاحبه‌شده قبلی) استفاده شده است. بر مبنای روش گلوله برفی می‌توانیم تا حدودی اعتماد مصاحبه‌شونده بعدی را از پیش جلب کرده باشیم و نیز به تعمیق بیشتر در حوزه مورد مصاحبه دست یابیم؛ هر چند ممکن است در برخی موارد صرفاً در حصار یک بعد از ابعاد مسئله گرفتار شویم و به منظور رفع این نقص در برخی موارد هم سعی شده از روش «گزینش تصادفی» بهره‌گیری شود. در این پژوهش، روش «تحلیل مضمون» برای استخراج خروجی قابل اتکاء از مصاحبه‌های صورت‌گرفته مناسب‌تر و کاربردی‌تر است؛ چرا که در برخی موارد به دلیل برخی ملاحظات مصاحبه‌شونده، امکان ضبط مکالمه وجود نداشته و در حین جلسه یادداشت‌برداری صورت گرفته است. همچنین در برخی موارد، پس از اتمام جلسه گزارش آن توسط محقق به رشته تحریر درآمده است. در فرایند تحلیل مضمون در گام اول به تجزیه و توصیف متن پرداخته می‌شود و پس از آن تشریح و تفسیر متن است و در مرحله آخر ادغام و یکپارچه شدن مجدد متن صورت می‌گیرد. گرچه روش‌های دیگر نظیر تحلیل داده‌بنیاد از کارکرد بیشتری برای نظریه‌سازی برخوردار است؛ لکن به لحاظ

عملیاتی شدن، در سطح پایین تری نسبت به روش تحلیل مضمون قرار می‌گیرد. در پایان کدهای مشترک به دست آمده به مبنای عمل برای تدوین سیاست تبدیل شده‌اند. بدیهی است تصمیمی که مورد اجماع حاکمیت و بدنه نخبگانی حوزه قومی باشد، می‌تواند در عمل هم از قابلیت اجرایی‌سازی بیشتری برخوردار شود و هم امید بیشتری به نتیجه‌بخشی داشته باشد تا اینکه از مسیری یک‌سویه اتخاذ شده باشد.

۵. تحلیل منابع و اسناد بالادستی

در این بخش رویکرد کلی جمهوری اسلامی ایران به مقوله قومیت که در کلام رهبران نظام و منابع بالادستی منعکس شده، بررسی شده است. از این رو با استفاده از روش «تحلیل مضمون» ابتدا اسناد گزینش شده مطالعه شدند و پس از کدگذاری و محوربندی در دسته‌های مضمونی که جهت‌گیری آن مضمون را نسبت به حوزه قومیت بیان می‌کرد، دسته‌بندی شده‌اند. به دلیل حجم زیاد جداول و کدنامه‌ها از آوردن آنها به صورت کامل در این بخش خودداری شد و صرفاً جداول مرتبط با مفهوم محوری تحقیق، ارائه گشت و مفاهیم پایه نیز به همین دلیل حذف گردید و به ذکر مفاهیم سازمان‌دهنده و فراگیر اکتفا شد.

۵.۱. قومیت در کلام رهبران جمهوری اسلامی

مفاهیم محوری مضامین استخراج شده از تحلیل بیانات امام خمینی^(ع) پیرامون موضوع قومیت نشان می‌دهد که در دیدگاه ایشان ضمن اهمیت و ضرورت نقش اقوام در ثبات سیاسی کشور و پذیرش حق مشارکت مدنی در جغرافیای قومی، تبعیض در ایفای حقوق قومیت‌ها را ثمره حکومت طاغوت در قبل از انقلاب می‌دانند و تصریح می‌کنند بنای حکومت اسلامی، گسترش عدالت اجتماعی برای اقوام و رفع این تبعیض‌ها است و با نفی ترجیح و اصالت ارزش‌های قومی (ضمن احترام به قومیت) نسبت به ارزش‌های اسلامی، به فراقومی بودن هویت ملی اشاره می‌کنند و با برشمردن نقش بیگانگان و دشمنان در تفرقه‌افکنی، شکل‌گیری وحدت ملی و امت اسلامی را از رسالت‌های جمهوری اسلامی معرفی می‌دانند. (صحیفه نور)

مفاهیم محوری مضامین استخراج‌شده از بیانات مقام معظم رهبری با مواضع امام همسویی دارد. ایشان نیز با توجه به اهمیت ثبات سیاسی کشور، مشارکت همه‌جانبه همه اقوام را در برساختن این ثبات ضروری می‌دانند و با فرصت دانستن تنوع اقوام در جغرافیای ملی و فرهنگی کشور، بر ضرورت وفاق و همزیستی مسالمت‌آمیز همه اقوام

و همچنین وحدت آنها در مقابله با دشمنان انقلاب تأکید دارند. در نگاه ایشان اعتلای کشور اتحاد، انسجام و مشارکت همه اقوام را طلب می‌نماید و از این رو ایجاد شکاف قومی و گسترش آن مخل این هدف و جزء اهداف دشمنان نظام و انقلاب قلمداد می‌شود و وحدت زیر چتر اسلام را عامل این اتحاد و رفع تبعیض‌های قومیتی و گسترش عدالت و امنیت اجتماعی را کارویژه نظام جمهوری اسلامی می‌دانند.

آیت‌الله خامنه‌ای دیدگاه ناسیونالیسم قومی را با دیدگاه اسلامی و منافع ملی در تنافی می‌بیند و نوع انسان را فارغ از هویت قومی، صاحب کرامت ذاتی دانسته و ضمن پذیرش تنوع کارکردهای مثبت قومیت (مانند افزایش پیوندها و تعاملات خویشاوندی) از دیدگاه اسلام، خواستار تقویت هویت ملی و استفاده از همه ابزارهای موجود برای نیل به این هدف می‌شوند. در بخش فراملی، استفاده از ظرفیت‌های مناسبی مانند حج و همچنین همایش‌های بین‌المللی وحدت اسلامی، جهت تقویت پیوند برادری و وحدت اسلامی، در جهت شکل‌گیری امت واحده اسلامی در دستور کار ایشان قرار دارد. (بیانات مقام معظم رهبری پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری)

۹۴

جدول ۱: مضامین استخراج شده از بیانات امام خمینی^(ع) و مقام معظم رهبری درباره قومیت

مفاهیم سازمان‌دهنده	مفاهیم فراگیر
شکل‌گیری امت اسلامی از جمله رسالات اسلام	۱ برتری ارزش‌های اسلامی و انسانی بر ارزش قوم‌گرایانه
قوم‌گرایی عامل تفرقه و برهم زدن وحدت بین ملل مسلمان	
اصالت داشتن ارزش‌های اسلامی ضمن احترام به قومیت	
وحدت اسلامی عامل وحدت اقوام در مقابل دشمنان انقلاب	
نفی تبعیض نژادی و قومی و قرار دادن تقوای الهی به‌عنوان ملاک برتری افراد	
ضرورت شکل‌گیری اتحاد دینی و نفی اختلافات	
وحدت اقوام و مذاهب در سایه اسلام	
ضرورت استفاده از ظرفیت وحدت بخش حج	
تنافی ناسیونالیسم قومی با دیدگاه اسلامی و منافع ملی	
برجسته بودن نقش دین و رهبری در وحدت اقوام و یکپارچگی کشور و انتقال وجوه مثبت بین فرهنگی	
نفی ارزش‌های قومی در کرامت انسان‌ها	
برجسته بودن نقش دین در وحدت امت اسلامی	

مفاهیم فراگیر	مفاهیم سازمان دهنده
۲	ضرورت عدم تبعیض قومی در خدمت رسانی نظام
	تساوی و برابری حقوق اقوام در نگاه جمهوری اسلامی
	فراملی و فراقومی بودن انقلاب اسلامی
۳	پذیرش حق مشارکت مدنی در جغرافیای قومی، مطالبه عمومی اقوام
	تبعیض در ایفای حقوق قومیت‌ها ثمره حکومت شاهنشاهی و غیراسلامی
	گسترش عدالت اجتماعی برای اقوام به واسطه استقرار حکومت اسلامی
۴	برخورداری یکسان اقوام از امنیت
	فراقومی بودن هویت ملی
	ضرورت تقویت هویت ملی در مقابل دشمن
۵	اتحاد و انسجام و مشارکت همه اقوام در اعتلای کشور
	لزوم و مطلوبیت مشارکت و عزم همه اقوام در پیشرفت ملی
۶	نفی تفرقه میان اقوام و اصالت وحدت حول مشترکات اصولی و همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام
	اهمیت و ضرورت ثبات سیاسی و نقش اقوام در آن
	وحدت اقوام در مقابل دشمنان انقلاب
۷	ایجاد شکاف قومی توسط دشمن
	فرصت دانستن تنوع اقوام و همراهی آنها با ثبات سیاسی
	نگاه فرصت‌آمیز به تنوع قومی و ستایش همبستگی آنها
	پذیرش تفاوت‌های قومی به شرط زمینه‌ساز نبودن برای اختلافات
	فرصت بودن تنوع اقوام و همراهی آنها با جریان دینی
	پذیرش کارکردهای مثبت قومیت در نگاه اسلام

۵.۲. قومیت در اسناد بالادستی

۵.۲.۱. قانون اساسی

نگرش حاکم بر قانون اساسی، فراقومیتی و ملی است. نتایج تحلیل محتوای صورت گرفته از مقدمه قانون اساسی که شامل ۱۲ گزاره مفهومی مرتبط است، تصریح دارد که ارزش‌های دینی و انسانی به‌عنوان مبنای معیار تقنین بر ارزش‌های قوم‌گرایانه برتری و سلطه دارد. مخاطب قانون اساسی عموم مردم کشور بوده و در هیچ‌کدام از اصول، امتیاز ویژه‌ای برای قومیت خاص اعطا نشده است.

جدول ۲: مفاهیم محوری مضامین استخراج شده از قانون اساسی در حوزه قومیت

مفاهیم سازمان دهنده	مفاهیم فراگیر
برتری اصول اسلامی در امر تقنین	۱ برتری ارزش‌های اسلامی بر ارزش‌های ملی و قومی
محوریت مذهب اثنی‌عشری به‌عنوان مذهب رسمی و اصلی غیر قابل تغییر	
محوریت یافتن ملاک‌های ملی، اسلامی و فراقومیتی در تعیین رهبری	
محوریت و اصالت دین در حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ضمن احترام به قومیت	
محوریت یافتن ارزش‌های جهانشمول اسلامی به‌جای سایر ارزش‌ها	
وحدت جهانی حول محور دین	
محوریت یافتن مفهوم امت اسلامی	
برتری وحدت اسلامی بر قوم‌گرایی	
پذیرش حق مشارکت و تعیین سرنوشت همه آحاد مردم	۲ ضرورت مشارکت همه اقوام در ثبات سیاسی کشور
ضرورت همبستگی اسلامی و مشارکت همگانی	۳ برقراری تساوی در حقوق مدنی و اجتماعی برای همه اقوام
تساوی طبقات، گروه‌ها و افراد در حکومت	
پذیرش مدیریت محلی و منطقه‌ای در استان‌ها	
پذیرش ضرورت احترام متقابل و حقوق اسلامی و مدنی سایر مذاهب اسلامی	
ضرورت برخورداری همه آحاد از حقوق انسانی و عدالت (قضایی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی)	
پذیرش حق احترام به نمادها و عناصر فرهنگ قومی و محلی در کنار فرهنگ رسمی	۴ برتری هویت ملی بر هویت قومی
برتری مفهوم ملت به‌جای گروه و طبقه خاص	
محوریت یافتن استقلال، وحدت و تمامیت ارضی بر منافع فردی و گروهی	

۹۶

۵.۲.۲. نقشه مهندسی فرهنگی

بندهای مصرح این سند به‌خاطر ماهیت فرهنگی آن توجه بیشتری به هویت‌های ملی و دینی کشور مبذول داشته است. طرح تقویت فرهنگ یکپارچه و ملی با جهت‌گیری

اسلامی (بند ۱۶ مبانی)، استقلال و اقتدار فرهنگی (بند ۱۷ مبانی)، پذیرش تنوع و تفاوت‌های فرهنگی اقوام ایرانی به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی در چارچوب فرهنگ اسلامی - ایرانی (بند ۱۸ مبانی) این جهت‌گیری را به‌خوبی نمایان می‌سازد. بندهای ۱ و ۲ اصول، بند ۱ و ۲ چشم‌انداز این سند بر اصالت و محوری بودن ارزش‌ها و مؤلفه‌ها و احکام اسلام ناب محمدی (ص) و فرهنگ اسلامی، در همه مراحل این سند (تدوین تا اجرا) تأکید داشته است. همچنین تقویت هویت ملی از جمله زبان و ادبیات فارسی، خودباوری ملی و رعایت عدالت توزیعی در عرصه فرهنگی و حداکثری کردن مشارکت فرهنگی همه آحاد جامعه و برقراری روحیه برادری و تعاون در جامعه از جمله اهداف مابقی بندهای این سند بالادستی به‌شمار می‌آید.

۹۷

جدول ۳: گزاره‌های مرتبط در سند نقشه مهندسی فرهنگی کشور

۱	تقویت همزمان هویت ملی و اسلامی
۲	تقویت انسجام فرهنگ در داخل و گسترش نفوذ آن به خارج
۳	پذیرش تنوع قومی به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی در چارچوب اسلامی
۴	صیانت و تقویت هویت اسلامی - ایرانی
۵	ابتنای برنامه‌ریزی و مدیریت فرهنگی بر ارزش‌ها و اصول اسلامی
۶	حاکمیت مؤلفه‌های فرهنگ اسلامی بر همه شئون و مناسبات جامعه
۷	برقراری عدالت فرهنگی در جامعه
۸	تسهیل و ارتقای مشارکت مردم و مردم‌نهادها در فعالیت فرهنگی
۱۰	گسترش و ارتقای مؤلفه‌های فرهنگ اسلامی در امور اجتماعی
۱۱	ارتقای وحدت و همبستگی ملی و فعالیت‌های مدنی عموم مردم

۵.۲.۳. سند تحول در آموزش و پرورش

آموزش و پرورش به‌عنوان مهم‌ترین ساختار نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور، مهم‌ترین نقش و عاملیت را در انتقال ارزش‌ها و هنجارهای مصوب بالادستی و جامعه‌پذیرکردن آنها جهت بسط و اعتلای فرهنگ مطلوب در جامعه دارد. از این‌رو، دستیابی به این سطح فرهنگی با مختصات اسلامی و ایرانی مهم‌ترین هدف در بخش کلیات این سند است. ابتنای این سند بر محوریت مبانی و ارزش‌های اسلامی و معرفی نظام اسلامی

به‌عنوان نظام معیار، شائبه هر گونه برتری ارزش‌های قومی را از محتوای این سند از ذهن می‌زداید. در فصل دوم با عنوان بیانیه ارزش‌ها نیز در تعریف ارزش‌های محوری که لازم است تمام اجزا و مؤلفه‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی با آن هماهنگ باشد، بنا را بر آموزه‌های قرآن کریم و سنت پیامبر و اهل‌بیت^(ع)، قانون اساسی و منویات امام^(ره) و مقام معظم رهبری و سند چشم‌انداز می‌گذارد و همان‌طور که در تحلیل‌های پیشین آمد، همه این اسناد دارای جهت‌گیری اسلامی، ملی و فراقومیتی بوده‌اند. لذا این رویه در تدوین این سند نیز مراعات شده است.

جدول ۴: مفاهیم محوری مضامین استخراج‌شده از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

۱	تقویت هویت اسلامی - شیعی و استثنا کردن اقلیت‌های مذهبی بر مبنای قانون
۲	تقویت هویت اسلامی - ایرانی در همه ابعاد
۳	تقویت ارزش‌های و کرامت انسانی

۹۸

۵.۲.۴. برنامه‌های توسعه

بررسی و تحلیل محتوای نخستین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور پس از جنگ نشان می‌دهد که جهت‌گیری آن در بیانیه اهداف، مواد و تبصره‌ها غالباً اقتصادی بوده و به مسائل اجتماعی و فرهنگی به طور کلی و موضوع قومیت‌ها به شکل خاص توجه چندانی ننموده است. در برنامه دوم، آثار تورم‌زدایی برنامه اول موجب شد که برنامه‌های دولت بیشتر معطوف به اصلاحات اقتصادی شود و در سایر حوزه اقدام خاصی صورت نگیرد (حق‌پناه، ۱۳۹۴: ۷۷) و اشاره‌ای به مسائل قومیتی نشده است.

در برنامه سوم، تغییر فضای سیاسی کشور و مطرح شدن گفتمان توسعه سیاسی و جامعه مدنی فضا را برای نقش‌آفرینی قومیت‌ها و مشارکت آنها در امور سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه بیش از پیش مهیا نمود. توجه به فرهنگ‌های قومی جهت استفاده از ظرفیت‌ها و استعداد‌های کشوری برای رفع تنگناهای اقتصادی و توسعه پایدار دست‌کم بر روی کاغذ، برای نخستین بار سرلوحه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزان قرار گرفت. (مستندات برنامه سوم؛ به‌نقل از حق‌پناه، ۱۳۹۴: ۸۲)

گفتمان حاکم بر تدوین برنامه چهارم هر چند به‌نوعی اقتصادمحور است، لکن به‌دنبال قرابت با گفتمان توسعه انسانی بوده است. مهم‌ترین ماده‌ای که به‌طور مستقیم به وحدت

و حقوق همه اقوام ایرانی اشاره دارد، ماده ۱۰۰ این برنامه است که به ارتقای حقوق انسانی، تأمین آزادی و صیانت از آرای مردم و تضمین آزادی، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن، ترویج مفاهیم وحدت‌آفرین و احترام‌آمیز نسبت به گروه‌های اجتماعی و اقوام مختلف اذعان دارد. این برنامه نیز همانند سایر قوانین بالادستی موضعی فراقومیتی دارد و مبنای آن حفظ هویت و منافع ملی و ارزش‌های اسلامی است.

تحلیل محتوای سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری که با هماهنگی مجمع تشخیص مصلحت نظام جهت تدوین برنامه‌ها به دولت ابلاغ گردید، نشان‌دهنده منطبق فراقومیتی در تهیه محتوا بوده به طوری که در هیچ‌کدام از بندهای این سیاست‌ها، بر قومیت خاصی تمرکز نشده و اجرای قانون برای همه آحاد جامعه یکسان تلقی گردیده است.

تحلیل محتوای سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری پیرامون تدوین برنامه ششم توسعه کشور علاوه بر تداوم نگاه ملی و فراقومیتی ایشان در سیاست‌گذاری کلان جامعه، نشان‌دهنده جهت‌گیری شفاف‌تری نسبت به تقویت هویت ملی و دینی است، به طوری که در بندهای ۶۹، ۷۱، ۷۲ و ۷۳ با تأکید ویژه به تقویت سبک زندگی اسلامی - ایرانی پرداخته است. برنامه ششم بدون اشاره خاصی به موضوع اقوام بر محورهایی غیرمستقیم و مؤثر در حقوق قومیت‌ها مانند کاهش تصدی‌گری دولت و تمرکززدایی و افزایش اختیارات استان‌ها (بند ح ماده ۷، بند ۴ ماده ۲۶) تعادل منطقه‌ای و سرزمینی (ماده ۲۶، تبصره ۱ بند الف ماده ۲۷) و عدالت قضایی (ماده ۱۱۳) پرداخته است.

جدول ۵: مفاهیم محوری مضامین استخراج‌شده از برنامه‌های اول تا ششم توسعه در حوزه قومیت

برنامه اول	
رسیدگی به امور مناطق محروم و بهره‌مندی ویژه از خدمات و تسهیلات	۱
صیانت و تقویت میراث فرهنگی و وحدت ملی و اسلامی	۲
برقراری عدالت اقتصادی در جامعه	۳
کاهش تصدی‌گری دولت مرکزی در امور مناطق محروم	۴
برنامه دوم	
رسیدگی به امور مناطق محروم و بهره‌مندی ویژه از خدمات و تسهیلات	۱
برقراری عدالت اجتماعی و تأمین اجتماعی	۲
محرومیت‌زدایی و ایجاد تعادل منطقه‌ای	۳

تقویت نقش آحاد مردم در امور فرهنگی و مدنی	۴
تقویت مشارکت دولت - ملت و افزایش همبستگی ملی	۵
برنامه سوم	
تقویت نقش واحدهای استانی در امور اجرایی و مدنی	۱
تقویت نقش آحاد مردم، تعاونی‌ها بخش خصوصی در امور اجرایی و مدنی	۲
محرومیت‌زدایی و ایجاد تعادل منطقه‌ای	۳
برنامه چهارم	
محرومیت‌زدایی و ایجاد تعادل منطقه‌ای و وحدت ملی	۱
تقویت نقش آحاد مردم در امور اجرایی و مدنی	۲
تقویت و گسترش حقوق شهروندی، آزادی‌های مشروع، وحدت بین‌گروهی و احترام به فرهنگ قومیت‌ها	۳
گسترش هویت دینی و ملی و تقویت فرهنگ قومی در ذیل آن	۴
گسترش فرهنگ ملی و اسلامی و تقویت ارتباطات سازنده میان فرهنگی	۵
گسترش حقوق شهروندی و تقویت آن	۶
تقویت محوریت منافع ملی	۷
ارتقاء منزلت گروه‌های مختلف و گسترش مشارکت عمومی و فعالیت مدتی آنها	۸
تقویت نقش اقلیت‌ها در جهت همبستگی ملی	۹
برنامه پنجم	
تقویت حقوق شهروندی و منافع ملی	۱
ابتنای برنامه‌ریزی کلان کشور بر اقتضانات بومی و اصول و ارزش‌های اسلامی - انقلابی در همه حوزه‌ها	۲
تقویت جامعه‌پذیری دینی در کشور	۳
تقویت جامعه‌پذیری دینی و هویت اسلامی - ایرانی در محتوای متون آموزشی	۴
تقویت فرهنگ قومی و محلی در متون آموزشی استانی	۵
تقویت هویت اسلامی - ایرانی جوانان در رسانه ملی	۶
گسترش عدالت اجتماعی	۷
تقویت تعادل منطقه‌ای و کاهش تصدی‌گری دولتی	۸
تقویت تعادل منطقه‌ای و گسترش امنیت اقتصاد و عدالت اجتماعی در مناطق	۹
برنامه ششم	
حمایت از محصولات و آثار فرهنگی و هنری در جهت تقویت هویت اسلامی - ایرانی	۱
حضور نهادی و مردمی مؤثر در فضای مجازی در جهت توسعه و ترویج فرهنگ اسلامی - ایرانی	۲

۳	توجه به عناصر و شاخص‌های هویت اسلامی - ایرانی در طراحی ساختارهای کلان کشور
۴	تمرکززدایی از مدیریت امور استانی و اجرای تعادل و آمایش سرزمینی
۵	تقویت تعادل منطقه‌ای و کاهش تصدی‌گری دولتی
۶	تقویت برنامه‌ریزی منطقه‌ای، آمایش سرزمینی و حمایت مالی دولت از توسعه روستایی
۷	ارتقاء و گسترش کیفیت خدمات قضائی و برقراری عدالت قضائی برای آحاد جامعه

۵.۴. جمع‌بندی منابع و اسناد بالادستی

با مرور مطالب این قسمت می‌توان رویکرد کلی حکومت و جهت‌گیری‌های کلان نظام درباره اقوام ایرانی را در محورهای زیر تبیین کرد:

اولاً علی‌رغم محوریت مذهب اثنی‌عشری به‌عنوان مذهب رسمی، سایر مذاهب اسلامی و اقلیت‌های دینی و حقوق آنها به رسمیت شناخته شده‌اند و در این نظام فکری، برتری از آن ارزش‌های اسلامی است و وحدت مذاهب اسلامی و تشکیل امت واحده مسلمانان یکی از مهم‌ترین ارزش‌ها به‌شمار می‌رود.

ثانیاً هیچ قوم و نژادی به‌عنوان قوم برتر و صاحب امتیاز ویژه شمرده نشده است و در هیچ‌یک از این اسناد، نگاه برتری‌جویی و تبعیض‌آمیز میان اقوام ایرانی به‌چشم نمی‌خورد. تنوع قومی به‌عنوان بخش از میراث فرهنگی پذیرفته شده است و به‌دلیل بهره‌گیری از نگرش اسلامی که کارکردهای مثبت قومیت را پذیرفته است، به مقوله تکثر قومیت در ایران نگاه فرصت‌آمیز وجود دارد. در این اسناد، در ذیل فرهنگ رسمی، فرهنگ‌های قومی به‌رسمیت شناخته شده است و در چنین نگاهی، ناسیونالیسم قومی با دیدگاه‌های اسلامی و منافع ملی در تعارض شمرده شده و عامل تفرقه و برهم زدن وحدت اسلامی است. ثالثاً بر اساس این نگاه، همه اقوام در جمهوری اسلامی از حقوق برابر برخوردارند و دولت باید برای رفع محرومیت و تبعیض، سپردن مسئولیت‌های گوناگون محلی به مردم، کاهش دخالت دولت در امور عمومی و واسپاری نقش‌ها به مردم و... تلاش کند.

۶. دیدگاه ذینفعان

۶.۱. روش گردآوری دیدگاه‌ها

در این بخش از مقاله سعی شده با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند همراه با روش گلوله برفی تعداد ۲۴ نفر از نخبگان مرتبط و در دسترس شناسایی شوند و مصاحبه آغاز شود. مشخصات نخبگان مورد بررسی در جدول زیر آمده است:

جدول ۶: مشخصات نخبگان نمونه مورد بررسی

سمت و ارتباط با موضوع	دسته نخبگان	
استاندار سابق کردستان، سخنگوی سابق دولت	شیعه	نخبگان علمی و اجرایی کرد
نماینده اسبق ولی فقیه در سپاه پاسداران، رئیس اسبق سازمان فرهنگ و ارتباطات و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی		
معاون حقوقی سابق رئیس جمهور		
مسئول ایستگاه وزارت اطلاعات در اقلیم کردستان		
معاون امنیت سازمان اطلاعات سپاه		
نخبه و محقق برجسته کردی	اهل سنت	
از بنیانگذاران پیشمرگه‌های مسلمان		
فعال مدنی و روشنفکر میانه‌رو		
فعال اقتصادی در اقلیم کردستان عراق		
رئیس حزب اتحاد کردهای مقیم		
عضو جریان دعوت و اصلاح		
عضو جریان دعوت و اصلاح	نخبگان علمی و اجرایی غیر کرد	
استاد دانشگاه (۳ نفر)		
نماینده سازمان اطلاعات سپاه در اقلیم کردستان		
کارشناس ارشد دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی		
رایزن فرهنگی ایران در اقلیم کردستان عراق		
مدیرعامل کردپرس		
پیمانکار و مشاور در طرح‌های توسعه منطقه غرب		
معاون نماینده ولی فقیه در استان کردستان و مشاور استاندار کردستان		
کارشناس ارشد اداره کردی سازمان اطلاعات سپاه		

۱۰۲

از آنجا که دیدگاه‌های ارائه‌شده بسیار به هم نزدیک بوده‌اند، در ادامه سعی شده تا جدول مفاهیم به صورت یکپارچه ارائه و دسته‌بندی شوند. همچنین بر همین مبنا سعی شد با انجام مصاحبه‌های مقدماتی با برخی از افراد مطلع و مرتبط با حوزه کردی، تعداد ده سؤال برای پرسش از مصاحبه‌شوندگان طراحی شود.

سؤالات طراحی شده عبارت‌اند از:

۱. بایسته روابط مطلوب فرهنگی میان حکومت و اهل سنت کرد برای تحکیم همبستگی ملی چیست؟
۲. مطالبات فرهنگی کردهای اهل سنت از دولت جمهوری اسلامی چیست؟
۳. نگرش مقامات کشوری و محلی و سیاستگذاران قومی در ایران نسبت به اهل سنت کرد چیست؟
۴. سقف انتظارات نخبگان فرهنگی و سیاسی اهل سنت کرد ایران از دولت مرکزی چیست؟
۵. ملاحظات نخبگان فرهنگی و سیاسی اهل سنت کرد در خصوص سیاست‌های فرهنگی دولت مرکزی چیست؟ مثلاً عملکرد سازمان صدا و سیما یا اداره کل ارشاد استان و ...
۶. نخبگان فرهنگی، سیاسی و اقتصادی اهل سنت کرد تا چه حد نسبت به دولت جمهوری اسلامی ایران واگرایی دارند؟

ذکر این نکته لازم است که برخی از مصاحبه‌ها کاملاً ضبط شده‌اند و برخی دیگر به واسطه محدودیت‌های موجود توسط محقق به صورت همزمان نگارش شده‌اند. همچنین برخی از مصاحبه‌ها قبل از طراحی سؤالات انجام شده‌اند و عمدتاً باز بوده‌اند. پس از انجام مصاحبه و پیاده‌سازی سعی شده است با استفاده از روش تحلیل مضمون، گزاره‌های مرتبط با سؤالات طراحی شده استخراج شوند. بعد از استخراج گزاره‌ها، مضامین اصلی یا مضامین پایه جدا شده‌اند، در مرحله بعد سعی شد مضامین سازمان‌دهنده به منظور روشن شدن ارتباط مضامین پایه با یکدیگر مشخص شوند و در نهایت مضامین فراگیر از گزاره‌های استخراج شده تولید شده‌اند. جدول خروجی مضامین به شرح ذیل است:

جدول ۷: خروجی مضامین مصاحبه با نخبگان

مفهوم پایه	مفهوم سازمان‌دهنده	مفهوم فراگیر
حس اعتماد متقابل در خلال سال‌های گذشته کم‌رنگ شده است و باید با اتخاذ سیاست‌های اعتمادسازانه، همبستگی ملی را ارتقا بخشید.	اعتمادسازی با اقوام	تقویت سرمایه اجتماعی
با کاربست سرمایه اجتماعی در حکومت‌داری می‌توان تمامی مشکلات موجود را حل نمود و فضای بهتری را رقم زد.		

مفهوم پایه	مفهوم سازمان دهنده	مفهوم فراگیر
با افزایش سطح اعتماد متقابل میان نظام و مدیران محلی، دست آنها در خروج از رویکرد اداری بوروکراتیک باز می‌شود و می‌توانند با نوآوری و خلاقیت بسیاری از مشکلات را حل کنند.	افزایش سطح اعتماد به مدیران محلی	تقویت سرمایه اجتماعی
به‌جای رویکرد امنیتی می‌توان با تکیه بر سرمایه اجتماعی (اعتماد) از حوزه قومیتی یک فرصت برای کشور به‌وجود آورد.	نهادینه کردن احترام متقابل	
در صورت رعایت احترام متقابل شاهد افزایش وحدت و همدلی بین اقوام خواهیم بود.	شناخت متقابل و ارتباطات قومی و گفتگو و مبادله فرهنگی	
گفتگو بین قومیت‌ها منجر به افزایش شناخت و همگرایی می‌شود.	باید باب گفتگو و فهم همدلانه میان شیعه و سنی باز شود و تا این اتفاق نیفتد ابهامات و پیش‌داوری‌های موجود بر نوع رابطه سایه خواهند افکند.	فاصله‌گیری از نگاه امنیتی تک‌بعدی
باید از طریق گفتگو و مبادله فرهنگی به شناخت بیشتر و رفع ابهامات و بدبینی‌های موجود انباشته شده مبادرت ورزیم تا بتوان برای همبستگی ملی تلاش نمود.		
نگاه صرف امنیتی پاسخگوی تحلیل مسئله کردی نخواهد بود تجویزهای ارائه شده هم صرفاً می‌تواند به کهنه‌تر شدن این زخم منجر شود.		
باید با امنیتی‌زدایی و حذف واسطه بین مرکز و بدنه قومیت‌ها، راه را برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در این استان‌ها باز نمود.	پرهیز از نگاه امنیتی صرف در حوزه عمومی	تسهل و تسامح و سیاست‌زدایی از هویت مذهبی
سایه سنگین امنیت بر منطقه غرب منجر به این شده که توسعه در این منطقه به‌کندی جلو برود و معضلات اجتماعی فراوانی را برای مردم به‌وجود بیاورد.	ضرورت تزریق نگاه فرهنگی در حکومت‌داری و اتخاذ سیاست امنیتی فرهنگ‌محور	
با اتخاذ راهبردهای فرهنگی و سرمایه‌گذاری بر روی آن می‌توان هم امنیت پایدار را برای کشور به‌وجود آورد و هم فهم مشترک و نتیجتاً هم‌افزایی با اقوام را برای کشور فراهم کرد.	امنیت «فرهنگ پایه» می‌تواند درازمدت باشد و با هزینه بسیار پایین‌تر جای مدل‌های کلاسیک امنیت را بگیرد.	
با افزایش درک متقابل می‌توان همزیستی مسالمت‌آمیز را شاهد بود و همچنین می‌توان تنش‌های موجود ناشی از عدم ارتباط را به حداقل رساند.		ضرورت همزیستی مسالمت‌آمیز و تساهل و تسامح و پرهیز از سیاسی شدن هویت مذهبی
با کنار گذاشتن نگاه سیاسی به افکار و عقاید شهروندان و افزایش سطح تساهل و تسامح می‌توان اتحاد ملی را افزایش داد و جلوی اتمیزه شدن جامعه را گرفت.		

مفهوم پایه	مفهوم سازمان دهنده	مفهوم فراگیر
در صورت اتخاذ سیاست‌های متساهل در قبال قوم شاهد خواهیم بود که از هویت مذهبی آنها سیاست‌زدایی خواهد شد و این مسئله می‌تواند به افزایش سطح همبستگی ملی آنها با سایر اقوام منجر شود.	ضرورت همزیستی مسالمت‌آمیز و تساهل و تسامح و پرهیز از سیاسی شدن هویت مذهبی	تساهل و تسامح و سیاست‌زدایی از هویت مذهبی
در صورت سیاسی شدن هویت مذهبی و تقاطع آن بر هویت قومی، مهار رادیکالیسم قومی بسیار سخت‌تر خواهد شد و باید سیاستی اتخاذ شود که به تحریک مذهب در قومیت‌ها منجر نشود.	تسهیل مناسک مذهبی	
با سخت‌گیری در مورد انجام اعمال و مناسک مذهبی، هویت قومی و مذهبی هر دو به‌صورت همزمان برجسته می‌شوند و این امر تهدید منافع ملی را به‌دنبال خواهد داشت.	تأکید بر سیاست جذب حداکثری	
باید با اتخاذ سیاست جذب حداکثری سعی نمود تا سایر تمایزات موجود رنگ ببازد و احساس محرومیت کاذب در میان اقوام و مذاهب کاهش بیابد.	تمسک به فرهنگ اهل‌بیت ^(۴)	
وجه مشترک شیعه و سنی در این کشور ارادت و محبت به اهل‌بیت و فرهنگ اهل‌بیت است و لذا با تمسک به این موهبت می‌توان یک نقطه وصل قابل اتکاء برای همبستگی میان شیعه و سنی پیدا کرد.	تأکید بر هویت و «تمدن نوین» اسلامی به‌جای هویت شیعی	
در صورت اتخاذ سیاست‌های اسلامی به‌عنوان سیاست‌های فرامذهبی می‌توان شاهد اتحاد و اخوت میان اهل سنت و شیعیان در کشور بود.	تأکید بر اشتراکات و نگاه تمدنی به قومیت	تأکید بر مشترکات اسلامی و ایرانی
ایده تمدن نوین اسلامی می‌تواند به یک نیروی وحدت‌بخش و هم‌افزا میان کلیه اقوام کشور تبدیل شود.	تأکید بر اشتراکات و نگاه تمدنی به قومیت	
با تأکید بر اشتراکات می‌توان به هم‌افزایی و تقویت همبستگی ملی و نیز یافتن زبان مشترک دست یافت.	تأکید بر اشتراکات و نگاه تمدنی به قومیت	
با کنار گذاشتن تنگ‌نظری و اتخاذ رویکرد تمدنی می‌توان حتی کردهای اقلیم را هم به‌مثابه یک فرصت در نظر گرفت و از آن برای بسط نفوذ تمدنی بهره‌مند شد.	تأکید بر اشتراکات و نگاه تمدنی به قومیت	
با احیای نماد تمدن ایرانی و اسلامی می‌توانیم به سیاست هضم تمدنی و تعریف قومیت‌ها به‌عنوان بخشی از زنجیره تمدنی کشور تداوم ببخشیم.	تأکید بر اشتراکات و نگاه تمدنی به قومیت	
از طریق تأکید بر هویت تمدنی به‌عنوان یک فراروایت می‌توانیم با طراحی یک کل بزرگ‌تر با هم در آن جمع شویم و ضریب همبستگی ملی خود را افزایش دهیم.	تأکید بر نگاه ملی و تمدنی ایران در سیاست‌گذاری	
با عبور از نگاه هویتی و تشدید شکاف‌ها و اتخاذ نگاه ملی‌گرایانه در سیاستگذاری‌ها می‌توانیم گسل‌های موجود را پر نماییم.		

مفهوم پایه	مفهوم سازمان دهنده	مفهوم فراگیر
با رویکرد ملی گرایانه می توان بر شکاف های قومیتی و مذهبی و دینی غلبه نمود.	تأکید بر نگاه ملی و تمدنی ایران در سیاست گذاری	تأکید بر مشترکات اسلامی و ایرانی
با برجسته نمودن هویت ملی و ایران فرهنگی می توان اختلافات قومی و مذهبی را در دل یک فرهنگ بزرگ حل نمود.		
با توجه به علقه های موجود میان تمدن ایرانی و قوم کرد باید با اتخاذ سیاست های ملی گرایانه و مبتنی بر نگاه تمدنی همبستگی ملی و رضایت از جمهوری اسلامی را ارتقا دهیم.		
در صورت تضعیف ملی گرایی در کشور، باید شاهد برجسته شدن هویت قومی و مذهبی در کشور و تعمیق این قبیل گسل های اجتماعی و فرهنگی باشیم.	تهدیدات تضعیف ملی گرایی	
برنامه ریزی متمرکز باعث شده است ظرایف کار در منطقه نادیده گرفته شود یا به هدف نرسد یا موجب ناراضی در منطقه گردد.	ضرورت برنامه ریزی غیرمتمرکز و پرهیز از نگاه کل گرایانه به اقوام	
نسخه های کل گرایانه بیشتر آسیبزا هستند تا شفافبخش، باید با توجه به تفاوت های درون این قوم برای هر بخش برنامه جداگانه ریخته شود.		
مشکلات فرهنگی با مشکلات حوزه سیاست و اقتصاد در آمیخته است و حرکت برای حل آن نیازمند نگاهی کل گرایانه است تا همه با هم هم جهت و هم زمان حل شوند و یکی دیگری را تشدید نکند.	کلان نگری در برخورد با مشکلات	
بدون چشم انداز دائماً در رفتار سلیقه ای و فردی گرفتار می شویم و لازم است برای ورود جدی به این حوزه راهبرد و چشم انداز تهیه شود.	ضرورت داشتن چشم انداز و راهبرد برای مسائل منطقه و پیوست فرهنگی - اجتماعی برای طرح ها و پروژه ها	تغییر در نگرش ها و برنامه ریزی ها
با ارزیابی تاثیرات اجتماعی و در نظر گرفتن ملاحظات فرهنگی و اجتماعی می توان از وقوع ناراضی های اجتماعی در خصوص افتتاح یک پروژه عمرانی جلوگیری به عمل آورد.		
تا زمانی که نگاه ما به حوزه قومیت بر پایه مهار تهدیدات باشد باید مدام به مطالبات پاسخ بدهیم، ولی زمانی که فرصت محور به سراغ حل مسئله برویم، شیوه تعامل مان تغییرات اساسی خواهد نمود.	ضرورت تغییر نگاه بر پایه فرصت ها و نگاه صیانتی	
در صورت صیانت از اقوام و اجازه ندادن به مداخله بیگانگان می توانیم شاهد کاهش و مهار افراط گرایی در میان اقوام و مذاهب شویم.		
اگر نگاه ما به حوزه کردی از فضای استانی بیرون بیاید آن وقت یک کل را در مقابل خود سازماندهی کرده ایم که می تواند فرایند ادغام را تضعیف نماید.	نگاه استانی نه قومیتی	

مفهوم پایه	مفهوم سازمان دهنده	مفهوم فراگیر
<p>باید دسترسی همگان به فرصت‌ها، قدرت، اقتصاد برابر باشد تا کسی احساس تبعیض ننماید. این امر در مناطق قومی و مذهبی می‌تواند با افزایش ضریب همراه باشد.</p>	<p>رفع تبعیض‌های ساختاری و لزوم عادلانه کردن سیاست‌های توزیعی و فضای زیست برای همه ایرانی‌ها</p>	
<p>موضوع عدالت توزیعی یک عارضه جدی در جمهوری اسلامی است و فقط به حوزه اقوام محدود نمی‌شود. باید با عادلانه کردن سیاست‌های توزیعی جلوی به‌وجود آمدن تقاطع با عدالت فضایی را گرفت و به تشدید بحران قومیتی فرصت نداد.</p>		
<p>باید سیاست‌های جبرانی برای مناطق محروم در نظر گرفته شود تا بخشی از عقب‌افتادگی که زیست‌بوم به ایشان تحمیل نموده برطرف گردد.</p>		
<p>در صورت رفع تبعیض‌های ساختاری و عادلانه شدن قانون و یکسان شدن حقوق شهروندی می‌توان شاهد کاهش واگرایی قوم کرد از مرکز شد.</p>		
<p>بدیهی است با سیاست‌های تبعیض‌آمیز شاهد جدایی روزافزون اقلیت‌های مذهبی و دینی خواهیم بود و برای حل مسئله باید سیاست‌ها بر اساس عدالت پی‌ریزی شوند.</p>	<p>تهدیدات احساس فزاینده محرومیت نسبی و لزوم فعالیت تبلیغی و رسانه‌ای</p>	<p>برقراری عدالت و توسعه متوازن و رفع تبعیض</p>
<p>محرومیت در مناطق سنی‌نشین وجود دارد ولی بیشتر از مناطق شیعه‌نشین نیست ولی کار تبلیغی کمی در این مناطق صورت می‌پذیرد، باید برای کارهای محرومیت‌زدایی پیوست تبلیغی تهیه شود.</p>		
<p>با مقایسه رشد و توسعه در اقلیم کردستان عراق، حس محرومیت نسبی در میان کردهای ایران تشدید می‌شود و ضرورت دارد تا فعالیت‌های عمرانی و توسعه‌ای بیشتری در آنجا صورت پذیرد.</p>		
<p>مدل توسعه مبتنی بر آمایش سرزمینی خود به یک عمل اصلی در توسعه‌نیافتگی مناطق حاشیه‌ای تبدیل شده و با محرومیت به‌وجود آمده به حس ناراضی‌تای افراد در آن مناطق دامن زده است.</p>	<p>تجدیدنظر در مدل توسعه نامتوازن</p>	
<p>نامتوازن بودن الگوی توسعه و فقدان یک برنامه راهبردی و درازمدت منجر به دامن زدن به احساس عقب‌افتادگی و محرومیت نسبی در مردمان کردستان شده است.</p>		
<p>اتخاذ سیاست‌های رفاهی نگاه کردها به بیرون مرزها را کاهش می‌دهد.</p>	<p>لزوم افزایش سطح رفاه</p>	
<p>از طریق ادغام اقتصاد کردستان در اقتصاد ملی می‌توان میزان منافع مشترک را بالا ببریم و از آن به‌عنوان اهرم اقتصادی برای افزایش ضریب حس همبستگی ملی استفاده نماییم.</p>	<p>ادغام اقتصادی کردستان در اقتصاد ملی</p>	

مفهوم پایه	مفهوم سازمان دهنده	مفهوم فراگیر
با برابر نمودن حقوق قومیت‌ها می‌توان تا حدی به بخشی از مطالبات آنها پاسخ داد.	اعمال حقوق برابر و صیانت از منافع همه شهروندان	برقراری عدالت و توسعه متوازن و رفع تبعیض
التزام به تساوی حقوق باعث رفع احساس تبعیض در اقوام و اقلیت‌های می‌شود.		
در صورت اتخاذ سیاست مساوات‌گرا و عادلانه در حوزه اقوام می‌توان شاهد فروکش نمودن گرایش‌های تجزیه‌طلبانه در میان این اقوام بود.		
در صورت توجه به همه اقشار و صیانت از منافع همه شهروندان پذیرش یک حکومت شیعی بر اقلیت سنی تسهیل می‌گردد.		
احساس تبعیض در میان کردها بسیار بالاست و باید تلاش شود تا با اتخاذ سیاست‌های مساوات‌طلبانه حس تبعیض را کاهش داد.		
با رعایت حقوق و کرامت اقوام حس همگرایی افزایش می‌یابد.	ضرورت نگاه شهروندمدارانه	اهتمام به حقوق شهروندی
با نگاه شهروندی به آحاد جامعه احساس محرومیت نسبی در جامعه به‌شدت کاهش می‌یابد و همبستگی ملی افزایش پیدا می‌کند.		
با رعایت حقوق شهروندی بحران قومیت فروکش می‌کند.		
باید سیاست‌های تبلیغاتی‌ای به‌کار گرفته شود که منجر به دیده شدن اقوام در سطح کشور شوند.	دیده شدن اقوام و اقلیت‌ها در کشور و پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری	رعایت قواعد دموکراتیک و ایجاد فضای باز کنترل‌شده
پاسخگو بودن در قبال مسئولیت سیاست‌های سلیقه‌ای را کاهش می‌دهد و به افزایش رضایت منجر می‌شود.		
دموکراتیک نمودن اداره کشور احساس تبعیض و میل به واگرایی را از بین می‌برد.	توجه اساسی به دیپلماسی عمومی	بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی و واقع‌گرایی
رعایت قواعد دموکراسی به افزایش وحدت در کشور می‌انجامد.		
باز نمودن فضای کشور احساس علقه میهنی را در میان اقوام افزایش می‌دهد.	سیاست خارجی واقع‌گرایانه	
باید دیپلماسی عمومی به بخشی از تمامی کارهایی که در مناطق قومیتی انجام می‌شود تبدیل شود، تا از این طریق احساس تبعیض و محرومیت که بخشی از آن کاذب است از بین برود.		
متأسفانه فقدان راهبرد در حوزه رسانه‌های اقلیم و نیز راهبرد حضور در این رسانه‌ها به همراه ضعف در برقراری ارتباط با شهروندان کرد ایران و اقلیم بسیار مشکل‌آفرین شده است.		
با اتخاذ رویکرد واقع‌گرایانه در سیاست خارجی می‌توانیم منافع کلیه شهروندان این کشور را تأمین نماییم و رضایت آنها را جلب نماییم.		

مفهوم فراگیر	مفهوم سازمان دهنده	مفهوم پایه
	ضرورت شایسته سالاری در مدیریت	با شایسته سالار شدن مکانیزم انتخاب مدیر شاهد افزایش کارکرد و نیز احساس برابری خواهیم بود.
		وقتی مردم می بینند لیاقت و صلاحیت ملاک گزینش مدیر است، احساس محرومیت و تبعیض نمی کنند.
		با به کار گرفتن مدیر قوی می توان همگرایی ملی را هم افزایش داد و در عین حال نیازهای منطقه را بهتر رفع نمود.
شایسته سالاری و بومی گزینی	پرهیز از انباشت نیروهای سنی در یک منطقه و اصلاح سیاست بومی گزینی	انتخاب مدیران نالایق و نا آشنا به منطقه موجب شده تا آهنگ توسعه در منطقه کندتر از سایر بخش ها باشد و باید برای رفع این مشکل سیاست بومی گزینی در مدیریت پیگیری گردد.
		در میان اهل سنت نیروها و ظرفیت های فراوانی وجود دارد که در یک منطقه متراکم شده است و باید با باز نمودن فضا و فراهم آوردن مجال از انباشتگی آنها در منطقه خود جلوگیری شود.
		سیاست بومی گزینی مانع جدی بر سر راه گفتگوی بین قومی است و به جدا افتادگی یک منطقه منجر می شود.
شایسته سالاری و بومی گزینی	محلی کردن شبکه مدیریت و بومی گزینی	با به کارگیری مدیران محلی می توان بار اصلی توسعه را بر دوش همان منطقه انداخت و دیگر مرکز به دلیل کم کاری متهم نخواهد شد و حس تبعیض هم مهار خواهد شد.
		با به کارگیری نیروهای بومی منطقه سطح رضایت در میان مردم آن منطقه بیشتر می شود و احساس تبعیض کاهش می یابد.
		با به کارگیری مدیران بومی و مجرب، هم از فرصت سوزی اجتناب می شود و هم احساس تبعیض و سرخوردگی ناشی از عدم مشارکت کاهش می یابد.
ضرورت جلب مشارکت و کادر سازی و تربیت افراد متخصص و مجرب	با تولید کادر هماهنگ بومی و آشنا و دارای تخصص در منطقه می توانیم به راحتی منطقه را توسط خود اهل سنت گرد اداره کنیم، بدون هیچ هزینه با کسب حداکثر رضایت مردم منطقه.	وجود کادر غیرمتخصص تولید آسیب های فراوانی نموده است و باید کار را به اهل فن سپرد.
		باید با جلب مشارکت حداکثری در رفع مشکلات به کادر سازی از میان خود اهل سنت مبادرت ورزید، تا احساس تبعیض و غیریت در آنها کاهش یابد.
قانون گرایی و گفتمان رهبری	التزام و پایبندی به قانون و پرهیز از قانون گریزی و سلیقه گرایی	التزام به قانون جلوی احساس نابرابری را می گیرد و به همگرایی بیشتر منجر می شود.
		قانونی دیدن حقوق سیاسی و اجتماعی و التزام به آن، همگرایی را افزایش می دهد.

مفهوم پایه	مفهوم سازمان دهنده	مفهوم فراگیر	
عدم پایبندی به قانون به ایجاد تنش در قومیت‌ها منجر می‌شود.	التزام و پایبندی به قانون و پرهیز از قانون‌گریزی و سلیقه‌گرایی	قانون‌گرایی و گفت‌وگو رهبری	
عدم رعایت قانون در مرکز به آثارشیرسم در پیرامون منجر می‌شود.			
اعمال سلیقه شخصی مسئولان، منجر به افزایش احساس تبعیض می‌شود.			
التزام به قانون اساسی علی‌رغم وجود پاره‌ای از مشکلات می‌تواند به وحدت ملی منجر شود.	تأکید بر قانون اساسی		
قانون اساسی حقوق ملت را مشخص می‌کند و از آن صیانت می‌نماید.			
با اجرای صحیح و کامل قانون اساسی که مطالبه اصلی اهل سنت و اقوام ایرانی هم هست، می‌توانیم رضایتمندی را افزایش داده و احساس محرومیت و تبعیض را در آن مناطق کاهش دهیم.			
با درک دقیق و درستی که مقام معظم رهبری دارند که مطالبات را هم در نظر گرفته‌اند، می‌توان رضایت حداکثری را در مناطق قومیتی و مذهبی شاهد بود.	اجرای کردن دیدگاه‌های مقام معظم رهبری		
با صادقانه شدن رفتار به‌جای ابزاری دیدن قومیت‌ها و همچنین محبت و احسان می‌توان آنها را به‌صورت حداکثری جذب نمود و از گرایش به بیگانه رهانید.	رعایت اصل کرامت انسانی و صداقت در تعامل		رویکرد اخلاقی به‌جای رویکرد ابزاری
باید از کارهایی که کرامت انسانی کردها را از بین می‌برد و احساس تحقیرشدگی در آنها ایجاد می‌کند، پرهیز شود تا آنها احساس محرومیت و تبعیض ننمایند.			
باید با نگاه صادقانه و نه ابزاری با مشکلات و مسائل قومیت‌های و به‌ویژه قوم کرد مواجه شویم و نگاه ابزاری را کنار بگذاریم.	پرهیز از نگاه ابزاری به قومیت		
متأسفانه دیدگاه‌های ابزاری و کوتاه‌مدت ضربات بسیاری به سطح اعتماد متقابل وارد آورده است و باید از این دیدگاه عبور شود.			
نگاه ابزاری حکومت به شهروندان کرد باعث جدایی عاطفی آنها از نظام شده است و این دیدگاه باید جای خود را به نگاه برادری و هموطنی دهد.			
از طریق دلجویی و ملاحظت می‌توان با کردها رابطه برادری برقرار کرد و همبستگی ملی را افزایش داد.	ضرورت دلجویی و ملاحظت		
از طریق توجه به خواست‌های اصلی بدنه جامعه قومیتی می‌توان به‌صورت ریشه‌ای مسائل موجود این قبیل اقلیت‌ها را حل نمود.	سیاست‌های مردم‌گرایانه	مشارکت اقلیت‌ها در امور کشور	

مفهوم پایه	مفهوم سازمان دهنده	مفهوم فراگیر
برای تأمین امنیت و رفاه نباید تمام بار بر دوش دولت انداخته شود و بدیهی است در صورت استفاده از ظرفیت خود مردم، اهداف با اطمینان بیشتری محقق خواهند شد.	ضرورت مشارکت دادن نخبگان در برقراری امنیت	مشارکت اقلیت‌ها در امور کشور
با زمینه‌سازی برای مشارکت کردها در حکومت می‌توان به حس محرومیت و تبعیض خاتمه داد.	ضرورت مشارکت جدی اقلیت‌ها (کردها و اهل سنت) در حکومت و مسائل ملی	
باید برای ارتقای مشارکت اقوام در اداره حکومت زمینه‌سازی شود تا حس اعتماد متقابل و نیز همبستگی ملی افزایش یابد.		
در صورت افزایش مشارکت و کمک به اداره کشور بدیهی است آنها خود را بخشی از این نظام تعریف خواهند نمود و برای ارتقای آن تلاش خواهند نه اینکه دارای رابطه یک‌طرفه با نظام شوند.		
با افزایش مشارکت می‌توان آهنگ هم‌نوایی در کشور را تندتر کرد و اعتماد و احساس برابری را افزایش داد.	پرهیز از فدراتیو کردن حکومت	
باید با فراهم نمودن زمینه ورود اهل سنت به مسائل ملی، میزان همبستگی ملی و نیز احساس شهروند برابر را میان آنها افزایش دهیم		
فدرالیسم در ایران منشأ شکل‌گیری ملت ایران نیست و با خاستگاه آن در تضاد است.		
فدرالیسم از طریق مرزبندی‌های کاذب به پاره پاره شدن هویت ملی می‌انجامد.		

۶.۲. شرح و تحلیل دیدگاه‌ها

با نگاهی تحلیلی به محتوای مصاحبه‌ها می‌توان آنها را در محورهای زیر دسته‌بندی کرد:

۶.۲.۱. کردهای سنی مذهب ابتدا خود را ایرانی می‌دانند و علقه و وابستگی فراوانی به فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی دارند و این واقعیت وجود دارد که حتی پارتیزانی‌ترین احزاب کردی از تجزیه کشور حمایت نکرده‌اند.

۶.۲.۲. علی‌رغم این رویکرد مثبت، در رابطه میان حکومت و کردهای اهل سنت چالش‌هایی وجود دارد که در دیدگاه‌های نخبگان حوزه کردی اعم از کردی و غیرکردی و همچنین کرد شیعه و کرد سنی منعکس شده است. آنها مطالبه‌هایی دارند که می‌توان آنها را به دو دسته اصلی تقسیم کرد. مطالبه میان بدنه کردی و مطالبه میان نخبگان آنها متفاوت است. در بدنه جامعه کرد، مطالبه از دولت عمدتاً معیشتی و اقتصادی و بهداشتی و درمانی است، لیکن در سطح نخبگان کرد، مطالبات عمدتاً رنگ و بوی سیاسی

و اجتماعی به خود گرفته است و آنها بیشتر به دنبال حفظ حقوق شهروندی، رفع تبعیض، دسترسی به پست‌های سیاسی و بهره‌مندی از مواهب منزلتی، اقتصادی و سیاسی ناشی از افزایش سطح دسترسی به قدرت هستند.

صرف‌نظر از این تقسیم‌بندی چکیده مهم‌ترین مطالب این مصاحبه‌ها در ۴ محور زیر قرار می‌گیرند:

اول: وجود احساس محرومیت و تبعیض و بی‌عدالتی: گزاره‌های فراوانی در میان مصاحبه‌ها به این امر اشاره دارد که کاستی‌های موجود در منطقه یکی از عوامل تشدید «احساس محرومیت و تبعیض» در میان بدنه جامعه کرد اهل سنت است. عواملی مانند رشد اقتصادی در منطقه اقلیم عراق و کاهش معضل بیکاری و فقر در این مناطق و در کنار آن تشدید بحران بیکاری در کردستان ایران و رواج قاچاق و بزه‌های اجتماعی مرتبط از مهم‌ترین عواملی است که نگاه کرده‌های اهل سنت ایران را به سیاست‌های حکومت بدبینانه کرده است و این امر موجب شده مشکلات مشابه در سایر مناطق ایران، رفتار تبعیض‌آمیز حکومت در مناطق کردنشین انگاشته شود و در نتیجه احساس واگرایی از دولت جمهوری اسلامی ایران در آنها پدید آید.

رابطه دوسویه‌ای میان کرده‌های اقلیم و کرده‌های ایران وجود دارد و جریان فرهنگی و دادوستد فرهنگی به نفع کردستان ایران در جریان است، لیکن به دلیل توسعه رونمایی اتفاق افتاده در اقلیم و فقدان نمادهای چشمگیر توسعه در مناطق کردنشین در ایران، حس عقب‌ماندگی و تبعیض در میان کرده‌های ایران دوچندان شده است.

مهم‌ترین بحران در مناطق کردنشین و بلکه سراسر کشور مسئله توزیع عادلانه فرصت، دسترسی عادلانه به قدرت و ثروت و سایر زیرمجموعه‌های عدالت به‌عنوان یک اصل اساسی برای اداره حکومت است. باید پذیرفت که نظام در تحقق شاخص‌های عدالت‌گستری چندان موفق عمل نکرده و این عارضه به یک زخم کهنه بر پیکره شهروندان این کشور تبدیل شده است. هرچند با تحلیل محتوای کمی برنامه‌های توسعه می‌توان به ارتقای جایگاه عدالت اذعان نمود لیکن در عمل این‌طور به ذهن متبادر می‌شود که شاخص‌های عدالت نسبت به سال‌های آغازین انقلاب اسلامی با افت بیشتری روبرو بوده است.

به گفته آنها در مناطق کردنشین به دلیل محرومیت کالبدی منطقه و موقعیت خاص جغرافیایی باید سیاست تبعیض مثبت اعمال شود، بدین معنی که باید حجم سرمایه‌گذاری در این مناطق نسبت به سایر مناطق دوچندان شود تا عقب‌ماندگی تحمیلی سریع‌تر برطرف شود.

دوم: فقدان کاربست سرمایه اجتماعی: یکی از مشکلات موجود در رابطه میان حکومت و کردهای اهل سنت، «فقدان کاربست سرمایه اجتماعی» لازم (احترام، اعتماد و ارتباط) در اداره این مناطق است. این امر موجب شده تا دولت در انتخاب مدیران و اداره این مناطق به نیروهای غیربومی روی بیاورد و این در حالی است که ظرفیت منطقه برای اداره خود منطقه در شرایط خوبی قرار دارد. عدم به کارگیری نیروهای بومی منجر به دامن زدن به حس بی‌اعتمادی و احساس تبعیض شده است. همچنین این امر مانعی جدی بر سر راه کادرسازی و کادرپروری از میان کردهای اهل سنت است که می‌توانند با ورود خود به عرصه مدیریت منطقه بسیاری از مشکلات موجود را حل کنند.

شاخص توجه و بها دادن حکومت به قوم کرد از منظر ایشان، میزان مشارکت دادن بدنه نخبگانی این قوم در امورات مختلف حکومت است. انتصاب مدیران غیر کرد یا شیعه در مناطق سنی‌نشین حاوی این پیام است که حکومت علاقه چندانی در به کارگیری نیروهای کرد سنی یا اعتماد به ایشان از خود نشان نمی‌دهد. لازمه افزایش میزان اعتماد دولت به قوم کرد، کادرسازی و کادرپروری در منطقه است و سپردن مسئولیت متنوع به کردهای سنی سطح اعتماد متقابل را افزایش می‌دهد و با کاربست سرمایه اجتماعی در اداره حکومت و نیز مشارکت دادن کردهای سنی در سمت‌های مختلف در سطح ملی می‌توان به احساس کاذب تبعیض و محرومیت پایان داد.

از نگاه مصاحبه‌شوندگان، گشوده شدن باب گفتگو و مفاهمه به زدودن غبارهای تیره و تاریک میان دولت و قوم کرد یا قوم کرد با سایر اقوام منجر می‌شود و نهایتاً می‌توان با افزایش شناخت و درک متقابل به افزایش ضریب همبستگی ملی در ایران منجر شود.

سوم: لزوم تغییر نگرش به اقلیت‌ها و پرهیز از نگاه ابزاری و امنیتی: از موارد مهمی که احساس محرومیت و تبعیض در میان کردهای اهل سنت را به شدت افزایش داده، حوزه رسانه، دیپلماسی عمومی و «سیاست‌های بازنمایی ایشان در بستر ملی» است. به گفته آنها کردهای سنی جایی در فضای عمومی و رسانه‌ای در کشور ندارند و اصولاً جزو شهروندان ایران محسوب نمی‌شوند. بهادادن، تشخیص یافتن، رعایت شأن و احترام، محبت نمودن از عمده مطالبات معنوی و روان‌شناختی در این بخش از قوم کرد است و حکومت باید برای این مشکل، سیاست‌های منسجم و کارآمدی را تدوین نماید. به اعتقاد آنها سیاست‌های رسانه‌ای جمهوری اسلامی نیاز به تغییرات اساسی دارد و در این تجدیدنظر باید تحولات منطقه به ویژه تغییرات و دگرگونی‌های سیاسی در کشور عراق مورد توجه قرار گیرد.

کردهای سنی خود را دریچه ورود ایران به فضای جهان اسلام می‌دانند و از اینکه از سوی حکومت نادیده گرفته شده‌اند، ناراحت و ناراضی‌اند. آنها معتقدند می‌توانند بازوی کارآمد جمهوری اسلامی ایران در تعامل با کشورهای اسلامی و جمعیت اهل سنت باشند و توانایی این را دارند تا بسیاری از مشکلات و سوءتفاهمات پیش آمده میان ایران و این قبیل کشورها را به حداقل برسانند و بین ایران و این کشورها اعتمادسازی انجام دهند. یکی از مواردی که نخبگان به شدت روی آن تأکید نموده‌اند، چرخش رویکرد مواجهه دولت با کردهای اهل سنت از مذهب محوری به ملیت محوری است. در این نگاه، ایران در مقابل اسلام تعریف نمی‌شود و فقط سعی دارد از ظرفیت‌های ملی برای فروکش کردن بحران قومیتی استفاده حداکثری شود. ناسیونالیسم شیعی در کشور بدون شک نخواهد توانست در ایجاد همگرایی میان شیعیان و سایر مذاهب در کشور همگرایی به وجود آورد و صرفاً به عمیق‌تر شدن فاصله حکومت و بخشی از ملت می‌انجامد. تنها با کاربست سیاست‌های ملی‌گرایانه در این حوزه است که جمهوری اسلامی خواهد توانست شکاف‌های موجود قومیتی و مذهبی بر کشور را - که اکنون روی هم سوار شده‌اند - کاهش دهد. تعریف قوم کرد به‌عنوان بخشی از زنجیره تمدن ایرانی دیدگاهی است که خود آنها هم بدان اعتقاد دارند. بنابراین بر حکمرانان لازم است با استفاده از ظرفیت بالای تمدن و فرهنگ ایران به همبسته نمودن اقوام ذیل فرهنگ ایرانی که اسلام محور آن است، مبادرت ورزند.

از نگاه کردهای سنی مهم‌ترین حلقه وصل شیعیان و اهل سنت در ایران، اهل بیت^(ع) (جلوه‌های اسلام ناب) هستند و در صورت پیروی از قرائت اسلام اهل‌بیتی می‌توان همبستگی ملی را به حداکثر رسانید و لازمه این امر، فهم همدلانه و درک متقابل است. علقه به تمدن ایران و فرهنگ ایران از دیگر نقاط مشترک میان کردهای سنی با اکثریت شیعه در کشور به‌شمار می‌رود.

یکی از عوامل اصلی واگرایی در منطقه و عدم تحرک کافی دولت در این مناطق برای حل مشکلات پیش روی مردم، غلبه نگاه ابزاری و امنیتی بر سایر دیدگاه‌های موجود در حکمرانی است. بدیهی است تا وقتی با دید بحران و تهدید به مردم کرد اهل سنت نگرسته می‌شود، نمی‌توان از ظرفیت‌های موجود در این منطقه برای بهبود وضعیت کمک گرفت و این امر تأثیر مخربی بر رابطه دوسویه مردم و دولت برجای گذاشته است. دیدگاه امنیت‌زده حاکم از سوی دولت منجر شده تا فرایند توسعه به کندی و با شتاب کم پیگیری شود و القای ناامن بودن مناطق کردنشین به استفاده از مزیت‌های نسبی

این مناطق نظیر توریسم و کشاورزی و صنایع کوچک ضربه‌های فراوانی وارد آورده که رشد بیکاری، فقر و اعتیاد و نتیجتاً بحران اجتماعی نظیر کولبری و قاچاق خرد از نتایج عمده آن است.

یکی از دوره‌های طلایی از نگاه کردهای اهل سنت دوره اصلاحات است و این تنها به این دلیل است که در حوزه فعالیت سازمان‌های غیردولتی و نیز نشریات و مطبوعات نگاه تنگ‌نظرانه و امنیتی اعمال نشده است. این در حالی است که بر اساس آراء دست‌اندرکاران سیاست در آن مقطع، دولت در اوج بحران مالی خود به سر می‌برده و نتوانسته سرمایه‌گذاری در خوری در این مناطق انجام دهد. با این حال سطح رضایت به دلیل گشوده شدن فضای سیاسی و فرهنگی کشور در این مناطق بالاتر رفته است.

چهارم: رعایت قانون و پرهیز از سلیقه‌گرایی: التزام به نص قانون و رعایت و اجرایی نمودن آنچه در سند وفاق ملی تحت عنوان قانون اساسی آمده مطالبه قاطبه مصاحبه‌شوندگان اعم از کرد و غیر کرد و شیعه و سنی است. از نگاه ایشان برخوردهای سلیقه‌ای مدیران محلی و منطقه‌ای با مردم - که عمدتاً خارج از چارچوب‌های قانونی و عرفی صورت گرفته - منشأ بسیاری از نارضایتی‌ها در منطقه شده است و حکومت باید برای رفع این مشکل در مناطق کردنشین به‌طور جدی چاره‌اندیشی نماید. از نگاه ایشان قانون اساسی علی‌رغم وجود پاره‌ای مسائل به نهادینه شدن تبعیض علیه کردها و قومیت‌های غیر فارس و همچنین اقلیت‌های مذهبی دامن زده است اما با این وجود همین قانون اساسی هم در حوزه اجرا به‌درستی و تمام و کمال اجرایی نمی‌شود و همین بحران موجود را تشدید کرده است.

به‌زعم بسیاری از مصاحبه‌شوندگان مقام معظم رهبری دارای دیدگاهی متساهل و توأمان با اعتماد نسبت به اقوام ایرانی است و از پرچمداران وحدت مذاهب به‌شمار می‌آیند؛ با این حال نگاه امنیتی در بخشی از بدنه اجرایی کشور یا دیدگاه حفاظتی و نه صیانتی نسبت به امنیت منطقه، مانعی جدی در راه تحقق منویات ایشان بوده است که نمونه بارز این مسئله را در سفر تاریخی ایشان به مناطق کردنشین به‌خوبی می‌توان دریافت.

۷. مقایسه نگاه حاکمیتی و ذیفنغان

پس از مطالعه و بررسی دو حوزه حاکمیتی و اجتماعی - قومیتی و مقایسه این دو حوزه نکات زیر حائز اهمیت است:

اولاً هر دو حوزه معتقد به اسلام و ایران و هویت ملی و حفظ انسجام و تمامیت ارضی کشور است و متأثر از آموزه‌های مترقی اسلام، برتری طلبی نژادی و تفاخر طلبی قومیتی مذموم تلقی شده است. در نگاه حاکمیتی، تفاوت‌های قومی فرصت تلقی می‌شود و دارای کارکردهای مثبت است و در مقابل نیز کردهای سنی خود را مسلمان و ایرانی می‌دانند و به کشورشان وفادارند.

ثانیاً به دنبال این مبنا، نگاه حاکمیتی معتقد به تساوی حقوق اقوام، تقویت فرهنگ قومی ذیل فرهنگ رسمی و ارتباطات سازنده میان فرهنگی، احترام متقابل و تأمین حقوق مدنی و شهروندی سایر مذاهب و قومیت‌ها، پذیرش مدیریت محلی در استان‌ها، گسترش عدالت اجتماعی برای همه اقوام، محرومیت‌زدایی و ایجاد تعادل منطقه‌ای و عدم تبعیض قومی در خدمت‌رسانی نظام است. در مقابل، داده‌های مصاحبه‌ها آشکارا نشان‌دهنده نارضایتی جدی ذینفعان در همه مؤلفه‌های یادشده است.

این تناقض بیانگر این است که در بعد قوانین و نگرش‌ها اختلاف نظر وجود ندارد اما ضعف در حوزه اجرایی و اعمال سلیقه مدیریت میانی، اجرا نکردن قانون، سیطره دیدگاه امنیتی و نداشتن نقشه راهی که موجب هماهنگی و تقویت عملکرد مجریان شود، موجب بروز تعارض شده است. این موضوع که نشانگر ضعف جدی حاکمیت در این زمینه است، ضرورت تدوین سیاست‌ها و الزامات فرهنگی را حول چگونگی تعامل با قومیت‌ها آشکارتر می‌کند.

۸. نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

امروزه در اسناد سیاست‌گذاری در دنیا سعی می‌شود جهت‌گیری‌ها بیشتر معطوف به عمل باشد و لذا تلاش می‌شود اسناد تولیدشده در دنیا عمدتاً در قالب نقشه راه باشد. از سوی دیگر، در همین اسناد بخش کوتاهی به ارزش‌ها^۱ اشاره دارد که حاکی از جهت‌گیری کلان در سند سیاستی است. در جمهوری اسلامی هم به‌عنوان یک حکومت دینی بدیهی است که اسناد سیاستی منتشرشده باید دارای بار ارزشی باشند و با اصول و مبانی فرهنگی در این مرز و بوم سازگار باشند، از این‌رو در اسناد منتشرشده سعی می‌شود تا ارزش‌ها و اصول حاکم بر اسناد در ابتدای سند بازگو شوند. از سوی دیگر، انتزاعی شدن اصول حاکم بر سند عموماً به دشواری اجرایی کردن سند منجر می‌شود. از این‌رو مقاله حاضر

1. Values

سعی کرده است با برقراری پیوند میان دو حوزه حاکمیتی و اجتماعی - قومیتی به اصول و الزاماتی دست یابد که بتواند در نهایت شاهد عملیاتی شدن آن نیز باشیم. نکته مهم دیگر به هم پیوستگی حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. بدیهی است پیشبرد یکی بدون فراهم نمودن زیرساخت در حوزه دیگر می‌تواند هرگونه سیاست‌گذاری را با ناکارآمدی و عدم نتیجه‌بخشی مواجه کند. از این رو سعی شده است با تقسیم الزامات به چهار حوزه یادشده، به طرح الزامات برای سیاست‌گذاری فرهنگی پرداخته شود. همچنین یادآور می‌شود از جایی که مفهوم عدالت نقطه کانونی مورد تأکید در دو حوزه عملی و نظری بوده است، سعی خواهد شد در مدل پیشنهادی هم محوریت آن حفظ شود. در شکل ۱ مدل کلی الزامات در چهار حوزه سیاسی - امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به تصویر کشیده شده است.

۱۱۷

پس از مطالعه و بررسی دو حوزه حاکمیتی و اجتماعی - قومیتی و مقایسه آنها و فهم رویکرد دو طرف و وجوه اختلاف و ضعف و وجوه اشتراک آنها، الزامات یادشده در محورهای زیر دسته‌بندی شدند:

۱. الزامات فرهنگی

- ۱.۱. اسلام: نظام ارزشی جامع و ریشه تمدن دیرینه اسلامی ایرانی که بر پایه توحید بنا شده است.
- ۱.۲. عدالت: منشأ اصلاح، توازن و موازات در سطوح مختلف فردی و اجتماعی و مبنای برخورداری آحاد جامعه از فرصت‌های برابر است.
- ۱.۳. اهل بیت^(ع): تمسک به اسلام اهل‌بیتی به‌عنوان نقطه وصل بین همه اقوام و مذاهب در ایران.
- ۱.۴. تقوا و اخلاق: خاستگاه رشد و تعالی فضایل، رعایت واجبات و ترک محرّمات سبب خروج فرد و جامعه از دشواری‌ها و مبنای کرامت انسانی نزد خداوند است.
- ۱.۵. تساهل و مدارا: همزیستی مسالمت‌آمیز، محبت و همگرایی با آحاد جامعه و تحمل دیدگاه‌های متفاوت و بهره‌مندی از همه توانمندی‌هاست.
- ۱.۶. عزت و کرامت انسانی: حفظ حرمت و مقام والای انسانی نسبت به خویش و دیگران که مبتنی بر استعداد خلافت الهی است.
- ۱.۷. مفاهیم و گفتگو: شناخت متقابل و درک و فهم یکدیگر که بر اثر مفاهیم و گفتگو و

ارتباط به وجود آمده باشد.

- ۱.۸. صداقت: رفتار صادقانه کارگزاران با مردم و شفاف نمودن نحوه اداره کشور.
- ۱.۹. هویت قومی: حفظ و پشتیبانی از عناصر سازنده هویت قومی به عنوان یکی از ستون‌های اصلی هویت ملی.
- ۱.۱۰. هویت ملی: التزام به سازه‌های اصلی هویت و فرهنگ ملی نظیر زبان، تاریخ، اساطیر، مرزهای فرهنگی، پرچم.
- ۱.۱۱. تنوع قومی: به رسمیت شناختن کثرت، تفاوت‌ها و تمایزات خدادادی در خلقت بشر.

۲. الزامات فرهنگی - اقتصادی

- ۲.۱. رفع فقر و محرومیت: تأمین نیازهای اولیه معیشتی و زدودن فقر و محرومیت از مناطق مرزی.
- ۲.۲. دسترسی برابر به فرصت‌ها: برابر نمودن سطح دسترسی به فرصت‌های اقتصادی و توانمندسازی.
- ۲.۳. اشتغال: ایجاد شغل مولد و اتصال منطقه به مدار تولید ملی با توجه به توسعه‌یافتگی در منابع انسانی.
- ۲.۴. توسعه متوازن: رعایت اصل توازن در طرح‌های توسعه‌ای متناسب با آمایش سرزمینی.
- ۲.۵. تبعیض مثبت: جبران عقب‌ماندگی‌های تحمیل‌شده از سوی زیست‌بوم با سرمایه‌گذاری مضاعف.
- ۲.۶. رفاه: ارتقای سطح رفاه و برخورداری مناطق کردنشین و افزایش سطح استاندارد زندگی.

۳. الزامات فرهنگی - اجتماعی

- ۳.۱. حقوق شهروندی: رعایت حقوق شهروندی و برابر دانستن تمامی شهروندان جمهوری اسلامی فارغ از مذهب و دین و قومیت.
- ۳.۲. برادری و اخوت: انسجام بخشیدن به سازه اصلی جامعه یعنی افراد از طریق ایجاد حس برادری در میان کردهای اهل سنت با دیگر شهروندان.
- ۳.۳. منزلت اجتماعی: رعایت شأن و منزلت اجتماعی کردهای اهل سنت و حفظ کرامت انسانی آنها.
- ۳.۴. اعتماد: اعتماد نمودن دولت به کردهای اهل سنت و اداره جامعه با بهره‌مندی از

ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی.

۳.۵. توجه: دیده شدن کردهای اهل سنت و توجه به ایشان در سطح ملی و رفع احساس کنار گذاشته شدن.

۳.۶. شایسته‌سالاری: مکانیزم رشد اجتماعی در جامعه بر مبنای لیاقت و شایستگی افراد.

۳.۷. قانونمندی و انضباط اجتماعی: قانون‌مداری و رعایت نظام اخلاقی و حقوقی در تعاملات و مناسبات اجتماعی است.

۳.۸. عدالت اجتماعی: بسط و توسعه شاخص‌های عدالت در تمامی سطوح زندگی اجتماعی.

۴. الزامات فرهنگی - سیاسی و امنیتی

۴.۱. مشارکت: مشارکت دادن کردهای اهل سنت در پست‌های سیاسی و حتی امنیتی و اعتماد به ایشان.

۴.۲. مردم‌سالاری: حضور و مشارکت مردم در اداره جامعه در سطوح مختلف و سپردن امور به خود مردم.

۴.۳. مدیریت بومی: برگزیدن مدیران توانمند بومی و سپردن مدیریت محلی به کردهای اهل سنت.

۴.۴. امنیت نرم: تغییر نگاه سخت‌افزاری به مقوله امنیت و اتخاذ رویکرد نرم به امنیت و امنیت فرهنگی و پایدار.

در نهایت، مدل زیر از مجموع دسته‌بندی‌ها و اشتراکات به‌دست آمده از اسناد و مصاحبه‌ها استخراج شد:



شکل ۱: مدل مطلوب سیاست‌گذاری فرهنگی

این مدل می‌تواند در خصوص سیاست‌گذاری فرهنگی اقوام به‌عنوان مبنای عملی یکسان در اختیار مسئولان کشوری و محلی قرار گیرد. در حالی که در گذشته عملکردهای سلیقه‌ای فراوانی که با تغییر مدیران افزایش می‌یافت، به چشم می‌خورد. بر اساس آنچه در بالا گفته شد، به اعتقاد محققان باید برای ورود به حوزه سیاست‌گذاری اقوام به‌ویژه در بعد فرهنگی، الزامات یادشده را به‌صورت جدی در نظر گرفت تا احتمال اجرایی و پیاده‌سازی یک سیاست به حد اعلاّی خود برسد. بدیهی است با سیاست‌های انتزاعی به دور از واقعیت اجتماعی نمی‌توان مداخله‌ای مؤثر و صحیح در امر اجتماعی پیدا کرد و بعضاً شاهد تبدیل یک سیاست به ضد خود می‌باشیم. به همین منظور در این نوشته تلاش شد با نگاهی واقع‌بینانه به شناسایی نقطه طلایی مورد توافق میان حاکمیت و مردم مبادرت شود و بدین ترتیب سیاست‌گذاران این حوزه را به کار آید.

منابع

۱. احمدی، حمید. (۱۳۸۷). قومیت و قوم‌گرایی در ایران، افسانه و واقعیت. چاپ ششم. تهران: نشر نی.
۲. ایگلتون، تری. (۱۳۸۰). منازعات فرهنگ. رضا مصیبی. ارغنون. شماره ۱۸.
۳. برنامه‌های توسعه اول تا ششم جمهوری اسلامی ایران
۴. بیانات مقام معظم رهبری دامت برکاته. پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری. www.khamenei.ir.
۵. چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم. تهران: نشر نی.
۶. حاجیانی، ابراهیم و سبحان رضایی. (۱۳۹۳). مؤلفه‌های همگرایی اکراد ایرانی و راهبردهای ارتقای آن. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۷. حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۸۰). مسئله وحدت ملی و الگوی سیاست قومی در ایران. نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران. شماره ۳.
۸. حق‌پناه، جعفر. (۱۳۹۴). سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران؛ چگونگی، فرایند و عوامل مؤثر بر تدوین. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی. دوره اول. شماره ۲.
۹. خانیکی، هادی و حمید سرشار. (۱۳۹۱). گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی، مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه کردستان. پژوهش سیاست‌نظری. شماره ۱۱ (دوره جدید).
۱۰. ربانی، علی؛ بهجت یزدخواستی؛ ابراهیم حاجیانی و حسینعلی میرزایی. (۱۳۸۷). بررسی رابطه هویت ملی و قومی با تأکید بر احساس محرومیت و جامعه‌پذیری قومی: مطالعه موردی دانشجویان آذری، کرد و عرب. مسائل اجتماعی ایران. شماره ۶۳.
۱۱. رحمانی، سمیه. (۱۳۸۸). بررسی نگرش نخبگان کرد به هویت جمعی (قومی / ملی) تحلیل گفتمان هویت قومی / ملی (نخبگان استان کردستان). پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۲. سحابی، جلیل. (۱۳۸۴). بررسی مقایسه‌ای نابرابری اجتماعی در کردستان ایران و عراق با تأکید بر شهرهای مهاباد و سلیمانیه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۱۳. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۴. سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴
۱۵. سند ملی آمایش سرزمینی.
۱۶. سند نقشه مهندسی فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۷. سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی.
۱۸. سیاست‌های کلی نظام در خصوص امنیت قضایی.
۱۹. شیخی، غفور و عادل عبدالهی. (۱۳۸۹). مطالعه جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری هویت منسجم ایرانی (مطالعه موردی جوانان شهر بوکان). جامعه‌شناسی مطالعات جوانان. دوره

۲. شماره ۱.
۲۰. صالحی امیری، سیدرضا. (۱۳۸۸). *انسجام ملی و تنوع فرهنگی*. تهران: مجمع تشخیص مصلحت، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۲۱. صحیفه نور. مجموعه بیانات و سخنرانی‌های حضرت امام خمینی (ره).
۲۲. غفاری، مسعود و بهروز زرین کاویانی. (۱۳۹۰). بررسی روند مشارکت شهروندان استان کردستان در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۴-۱۳۷۶. *فصلنامه ژئوپلیتیک*. شماره ۲۱.
۲۳. قادرزاده، امید و عباس شفیع‌نیا. (۱۳۹۱). تأثیر ساختار اجتماعی آموزش بر قوم‌گرایی دانشجویان. *فصلنامه علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبایی)*. شماره ۵۹.
۲۴. *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*.
۲۵. کهنه‌پوشی، مصلح. (۱۳۸۳). تبعیض قومی در کردستان ایران (بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷). پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۲۶. گلد، جولوس و ویلیام ال. کولب. (۱۳۷۶). *فرهنگ علوم اجتماعی*. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۷. گودرزی، حسین. (۱۳۸۱). توسعه سیاسی و مشارکت‌پذیری جامعه کُرد ایران. *فصلنامه مطالعات ملی*. شماره ۹.
۲۸. میرزایی، جلال. (۱۳۸۵). *شکاف قومی، دولت مرکزی و امنیت ملی ایران (مطالعه موردی: مناطق کردنشین)*. پایان‌نامه دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

29. Brake, M. (1985). *Comparative Youth Culture: The Sociology of Youth Cultures and Youth Subcultures in America*. Britain and Canada. Routledge

30. Clarke, J.; S. Hall; T. Jefferson & B. Roberts. (1976). Subcultures, Cultures and Class: A Theoretical Overview. In: S. Hall & T. Jefferson, T. (eds.). *Resistance Through Rituals: Youth Subcultures in Post-war Britain*. London: Centre for Contemporary Cultural Studies. University of Birmingham